

وجوب نفقه در ایام عده طلاق با تأکید بر نظر آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله شبیری زنجانی

فاطمه برهانی^۱

چکیده

براساس مهمترین منبع فقه اسلامی یعنی، قرآن مجید و روایات نفقه زوجه در ازدواج دائم به شرط تمکین زوجه واجب است. نفقه در اسلام نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی به آنها داده نمی‌شد به سختی می‌افتادند. از نظر فقهی، نفقه مقدار معینی ندارد و ملاک، رفع نیازهای عرفی زوجه است، اما همین که زن و مرد از هم جدا شوند و زوجیت آنها از بین برود، تکلیف پرداخت نفقه به زن قطع می‌شود، اما آیا در ایام عده طلاق رجعی نیز چنین است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر نظر آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله شبیری زنجانی نیز بر این است که پرداخت نفقه زوجه در عده طلاق رجعی، واجب است که نظرشان با نظر مشهور فقها یکی است. هدف از نوشتار حاضر، آگاهسازی زوجین نسبت به پرداخت نفقه در ایام عده است که به صورت توصیفی-تحلیلی، در محدوده فقه و با استفاده از منابع معتبر فقهی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: نفقه زوجه، تمکین، طلاق رجعی، فقه، عده.

۱. مقدمه

طلاق به دو قسم بئن و رجعی تقسیم می‌شود. مراد از طلاق بئن، طلاقی است که در عده آن، شوهر نمی‌تواند به همسر مطلقه‌اش رجوع کند. به عبارت دیگر با انشای صیغه طلاق، زن و شوهر از علقه زوجیت خارج شده‌اند و برای اینکه دوباره بتوانند این رابطه را برقرار کنند باید عقد نکاح جدیدی میانشان انشاء شود. طلاق رجعی، طلاقی است که شوهر می‌تواند مادام که عده برقرار

۱. دانش پژوه کارشناسی فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.

است به زن مطلقه‌اش رجوع کند. به چنین طلاقی، طلاق رجعی و به چنین زنی، مطلقه رجعیه می‌گویند. جدای از اینکه شوهر در طلاق رجعی در مدت عده، حق رجوع دارد، هم شوهر و هم همسر حقوق و تکالیفی در مدت عده دارند که با حقوق و تکالیف مطلقه باینه و شوهر او فرق می‌کند. اگر در مدت عده رجعی، زن یا شوهر بمیرد از یکدیگر ارث می‌برند، مطلقه رجعیه حق نفقه دارد، شوهر نمی‌تواند مادامی که عده برقرار است مطلقه رجعیه را از محل سکونتش حتی اگر منزل خودش (شوهر) باشد، خارج کند، طلاق رجعی، زن و مرد را از احسان خارج نمی‌کند و در نتیجه اگر در مدت عده، زن یا شوهر مرتکب زنا شوند زناای آنها زناای محصنه محسوب می‌شود. هدف از نوشتار حاضر، آگاه کردن زوجین نسبت به پرداخت نفقه در ایام عده است که به صورت توصیفی-تحلیلی، در محدوده فقه و با استفاده از منابع معتبر فقهی گردآوری شده است. در پژوهش حاضر، ابتدا به تعریف نفقه در لغت و اصطلاح پرداخته شده و سپس مبانی نفقه در فقه و رابطه تمکین و نفقه آمده است و در انتها نظرات آیات عظام شبیری زنجانی و سبحانی درباره نفقه آمده است.

۲. مفهوم‌شناسی نفقه

نفقه به معنای آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش است. (دهخدا، ۱۳۴۷، ص ۶۷۳) تعاریفی که در فقه ارائه شده، بیشتر با ذکر مصادیق است. در جواهر الکلام آمده است: «مایحتاج زن از جمله: غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۱۷۷). بعضی از فقها مصادیق دیگری به آن اضافه کرده‌اند: «وسایل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم و صابون و هزینه حمام در صورت نیاز» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴۶۹/۵). در تحریر الاحکام در تعریفی کوتاه بدون ذکر مصادیق آمده است: «آنچه زن بدان نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است» (حلی، بی تا، ۴۷/۲).

۳. نفقه در قرآن

نفقه، مفهومی عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار کرده است که عنصر زمان و مکان در آن نقش تعیین کننده‌ای دارد. قرآن کریم هم آن را تأیید می‌کند؛ زیرا تمام آیاتی که مسئله نفقه را مطرح می‌کنند آن را واگذار به عرف کرده‌اند. مانند «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱)، «فامساک بالمعروف او تسریح باحسان» (بقره: ۲۲۹)، «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره: ۲۳۳). کلمه معروف در برخی تفاسیر به معنای امور متعارف تفسیر شده است چنان که بعضی مفسرین در تفسیر آیه: «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» آورده‌اند: «منظور از رزق و کسوه، خرجی و لباس است و خدای عزوجل این خرجی را مقید به معروف کرده است؛ یعنی متعارف از حال شوهر و همسر، همچنین مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و فقه مادری که (به بچه) شیر می‌دهد به عهده است» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۲/۳۶۰). برخی مفسرین هم کلمه معروف را به معنای مناسب و شایسته تفسیر کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ۳/۳۱)؛ یعنی مناسب و در شأن زن که در واقع به معنای متعارف برمی‌گردد. به نظر می‌رسد مفهوم فقهی نفقه با معنای لغوی آن هم خوانی دارد و این مفهوم که مفهومی عرفی است روشن و واضح است، البته اختلاف‌هایی که در مصادیق مشاهده می‌شود ابهامی در اصل مفهوم به وجود نمی‌آورد.

۴. مبانی نفقه در فقه

از دیدگاه فقه‌های شیعه در مورد سبب و مبنای الزام شوهر به پرداخت نفقه، چند مبنا مطرح شده است که به اختصار بیان می‌شود:

۴-۱. رابطه تمکین خاص با نفقه

مشهور فقه‌های شیعه، تمکین را مانند عوض یا شبه عوض در برابر نفقه قرار داده و نفقه را مشروط به تمکین کرده‌اند و وجوب نفقه را مشروط به عقد دائم و تمکین کامل زوجه می‌دانند. (شهید

ثانی، ۱۴۱۰، ۲/۴۶۵)

۴-۲. رابطه عقد با نفقه

گروهی از فقها عقد نکاح را علت و سبب وجوب نفقه می‌دانند و معتقدند چون ادله وجوب نفقه به مانند زوجه حمل می‌شود و زوجیت هم به مجرد عقد حاصل می‌شود، پس عقد، سبب وجوب نفقه است و فقط نشوز باعث سقوط نفقه خواهد شد. (مؤمن سبزواری، بی‌تا، ص ۱۹۴)

۴-۳. رابطه ریاست شوهر یا نفقه

برخی معتقدند نفقه در مقابل حق ریاست یا سرپرستی شوهر بر خانواده (زوجه و فرزندان) است که در فقه به حق الطاعه تعبیر شده است. به نظر می‌رسد آیات و روایات هم مؤید همین نظر است. در بررسی آیه: «الرجال قوامون على النساء» (نساء: ۳۴) بیان شد که ابتدای آیه بیانگر حقی است که به مردان (شوهران) داده شد؛ زیرا در ادامه آیه آمده است: «وبما انفقوا من اموالهم» در مقابل این حق، تکلیفی را برعهده وی نهاده که همان تأمین هزینه خانواده (نفقه زن) است. بنابراین، ریاست مردان سبب الزام آنها به پرداخت نفقه است. همان‌طور که صاحب جواهر چنین برداشتی از آیه می‌کند (نجفی، ۱۳۶۶، ۳۱/۳۰۶).

۵. سبب نفقه

در زوجیت، قرابت و خویشاوندی و مملوک بودن (موسوی خمینی، بی‌تا، ۲/۳۱۳) انسان باشد یا حیوان، نفقه واجب می‌شود.

۵-۱. نفقه زن بعد از طلاق

در اسلام، مبعوض‌ترین حلال‌ها طلاق است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/۲۶۶) پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «تَرْوُجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ؛ ازدواج کنید و طلاق ندهید که با طلاق، عرش خدا به لرزه درمی‌آید» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/۲۶۸)، البته طلاق یک راه حل و گاهی ضرورت است. قرار دادن عده بعد از طلاق، یکی از راه‌های حل اختلاف در طلاق است. عده، تأخیر از زمان تصمیم تا اقدام است. اسلام به مردان دستور می‌دهد که همسران مطلقه خود را تا پایان زمان عده در خانه نگهداری کنند و هزینه‌های آنان از خوراک و پوشاک را برعهده گیرند.

طبیعی است که معاشرت و مصاحبت مرد با همسر مطلقه در طی این مدت سبب فروکش کردن هیجان آنها شده و با فرصت و دقت بیشتری به پیامدهای طلاق بیندیشند و چه بسا در این مدت، زوجین زندگی مشترک را دوباره ازسرگیرند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «المطلقة تکتح و تختضب و تطیب فیہ اجمعها؛ زن طلاق داده شده که در خانه شوهر است خود را آرایش کند و عطر بزند و لباس‌هایی که مرد دوست دارد بپوشد تا با عقل و درایت بیشتری تصمیم بگیرند و دوباره به همسرش رجوع کند و زندگی را از سر بگیرند» (حویزی، ۱۳۸۳، ۵/۳۵۲).

۵-۲. وجوب نفقه بعد از طلاق در قرآن

در قرآن نیز به این امر مهم تأکید شده است. هفت آیه نخست سوره طلاق پیرامون موضوع طلاق و احکام و مسائل مربوط به آن است و به‌همین دلیل طلاق نام‌گذاری شده است. که در رابطه با این مسئله، آیات ۶ و ۷ سوره طلاق بیشتر مورد توجه است. «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَمَنْزَعُ لَهْ أُخْرَى؛ (تا پایان زمان عده) زنان را در همان جاکه خود سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید و به آنان (از نظر مسکن و نفقه) آسیب نرسانید تا کار بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند تا زمانی که وضع حمل کنند نفقه آنان را بدهید، پس اگر نوزادان شما را شیر دادند مزدشان را بدهید و (دوباره نوزاد) میان خود به‌نیکی مشورت و توافق کنید و اگر توافق به دشواری کشید زن دیگری او را شیر بدهد (و مرد برای نوزاد دایه بگیرد)» (طلاق: ۶).

در این آیه به صراحت آمده است که نفقه زنان باردار را باید بدهند و حتی بعد از طلاق نیز دادن این نفقه واجب است و اینکه زن مطلقه می‌تواند در برابر شیر دادن به طفل خود از شوهر درخواست مزد کند. همچنین در آیه، حقوق نوزاد بیان شده است؛ یعنی تا وقتی کودک در شکم مادر است پدر هزینه او را می‌دهد، بعد از تولد مادر به او شیر می‌دهد و پدر باید هزینه شیربهای آن را به مادر بپردازد. «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكُلْفُ اللَّهُ

نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ هرکس که دارای وسعت (مالی) است باید براساس وسعت خود نفقه دهد و کسی که روزی بر او تنگ شده باید از آنچه خداوند به او داده (به اندازه توان خود) انفاق کند؛ زیرا خداوند هیچ کس را مگر به اندازه آنچه به او داده است، تکلیف نمی کند. به زودی خداوند پس از سختی، آسانی و فراخی پدید می آورد» (طلاق: ۷). فرمان این آیه که هرکس به قدر توان خود به همسرش انفاق کند هم شامل ایام عده و هم شامل ایام شیر دادن همسر طلاق داده شده و هم شامل هر زمان دیگر می شود. در اینجا ملاک در میزان هزینه زندگی، توان مالی مرد است نه تنگ نظری های مرد و یا خواسته ها یا آرزوهای زن و شرط دادن نفقه، دوست داشتن همسر نیست. زن طلاق داده شده نیز تا مدتی واجب النفقه است و تکلیف به مقدار توان است و تکلیف فوق طاقت در اسلام نیست.

۵-۲-۱. نظر آیت الله سبحانی

از نظر ایشان همگی فقها اتفاق نظر دارند بر اینکه نفقه بر مطلقه رجعیه ثابت است همان طور که به زوجه ثابت است. در رابطه با وجوب نفقه بر اینان آیات و روایات های بسیاری وجود دارد از جمله: آیات ۶ و ۷ سوره طلاق که به آنها اشاره شد. (سبحانی، ۱۴۰۴، ۳۴۸۹/۲)

۵-۲-۲. نظر آیت الله شبیری زنجانی

ایشان تمکین را سبب وجوب نفقه می داند. صاحب جواهر می فرماید: «از روایاتی که در زمینه حق مرد بر زن وارد شده مثلاً خروج بدون اذن شوهر از منزل را جایز ندانسته و برآورده ساختن خواسته شوهر را مبنی بر مباشرت واجب شمرده است، استفاده می شود که زنی که در این محدوده از این حقوق تخلف نماید مستحق نفقه نخواهد بود». همچنین از کلام خدا: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند» می توان استفاده کرد که مرد در برابر نفقه ای که می پردازد از زن متمتع می شود و گویا این نوعی معاوضه است. به طوری که اگر زن امتناع ورزد نفقه اش قطع خواهد شد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۰۶). از مجموع

کلام ایشان چنین به نظر می‌رسد که ایشان نشوز و عدم نشوز و ثبوت و عدم ثبوت نفقه را در همان مواردی می‌داند که شارع مقدس حقوقی برای مرد تثبیت کرده است. بنابراین، بانویی که هنوز عروسی نکرده است و به خانه شوهر نرفته و قهراً خروج از منزل یا درخواست مباشرت هم در مورد او موضوعیت ندارد و در واقع حقوقی علیه او تثبیت نشده است مستحق نفقه نخواهد بود، ولی در مواردی که این حقوق موضوعیت پیدا می‌کند نفقه‌اش واجب خواهد بود چنان‌که عدم تمکین نیز باعث سقوط نفقه‌اش می‌شود.

۶. پاسخ استاد به استدلال صاحب جواهر

«برای ما هیچ یک از دو فرمایش ایشان روشن نیست؛ زیرا اولاً استظهار این معنا از روایت که حقوق مرد پس از عروسی حاصل می‌شود صحیح نیست و ما دلیلی برای اثبات آن نداریم بلکه ظاهراً اجماعی است که حقوق مرد به مجرد انعقاد عقد حاصل می‌شود و چنانچه مانعی در کار نباشد در صورت مطالبه مرد بر زن لازم است که تسلیم وی شود. به فرض که بپذیریم حقوق مرد پس از عروسی حاصل می‌شود، ملازمه‌ای بین تأخیر حقوق مرد و تأخیر حقوق زن وجود ندارد. به چه دلیل قائل شویم حق النفقه زن نیز با عقد حاصل نشده و پس از انقضای فاصله زمانی بین عقد و زفاف به وجود می‌آید. ممکن است حدوث حق زن از آغاز انعقاد باشد، ولی بقای آن در صورت مطالبه شوهر مشروط به تمکین و عدم نشوز باشد. ثانیاً استفاده ایشان از آیه شریفه و استظهار نوعی معاوضه از آن ناتمام است؛ زیرا مصداق انفاق و مراد از: «بما انفقوا» در آیه شریفه، که با صیغه ماضی هم بیان شده برخلاف نظر کسانی است که آن را نفقات دانسته‌اند، به احتمال قوی مهر است که به مجرد عقد حاصل می‌شود. خداوند متعال با میزان و ملاک قوت عقل، به واسطه آنکه مردها قدرت عقلی بالاتری دارند و مهر نیز توسط آنان پرداخت می‌شود، سرپرستی زنان را به آنها سپرده است که طبیعتاً به نفس عقد صورت می‌گیرد. حال بر فرض هم که استفاده معنای معاوضی از آیه شریفه را بپذیریم و این معاوضه را بین تمتع مرد و نفقه زن قرار دهیم، مقتضای آن

ثبوت حق نفقه زن است و به مطالبه نکردن مرد در فاصله بین عقد و عروسی، موجب سقوط این حق نمی‌شود».

۷. نتیجه‌گیری

قائل شدن به وجوب نفقه به این معناست که نشوز تحقق نیافته و به همین دلیل نفقه او را واجب می‌دانند که این خود یک ثمره ثبوتی است و در آن اشکالی نیست. یک ثمره اثباتی هم که برای قول به وجوب نفقه ذکر کرده‌اند به اقتضای آنکه تمکین، شرط باشد یا نشوز مانع باشد بنا به شرط دانستن تمکین، مقتضای اصل، عدم تمکین است که در نتیجه‌اش مدیون نبودن شوهر خواهد بود درحالی‌که اگر نشوز مانع حساب باشد اصل اقتضا می‌کند که نشوزی محقق نشده و وجوب نفقه به ذمه شوهر خواهد بود.

فهرست منابع

- * قرآن مجید
۱. جبعی عاملی، زین الدین (شهیدثانی) (۱۴۱۰). الروفته البهیه فی شرح اللعمه الشیعه. قم: انتشارات داوری.
 ۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی‌تا). تحریر الاحکام. قم: مؤسسه آل بیت.
 ۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
 ۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
 ۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۶). نظام نکاح فی الشریعه الاسلامی الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 ۶. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۳۷). نکاح، تقریرات درس آیت‌الله شبیری زنجانی. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
 ۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۸. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
 ۹. عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی (۱۳۸۳). نور الثقلین. قم: حکمت.
 ۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. بی‌جا: مؤسسه دارالهجره.
 ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
 ۱۲. مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد (بی‌تا). کفایه الاحکام. اصفهان: مدرسه صدر مهدوی.
 ۱۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.